

در مسیر تمدن

سالنامه پژوهشی

سال دوم ، شماره دوم (پاییز ۱۴۰۴)



صاحب امتیاز: مدرسه معصومیه ع.ا.ع

مدیر مسئول: مجید سلامی

جانشین مدیر مسئول و سردبیر: جمال الدین حیدری فطرت



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- ❖ ابوالفضل ابوالقاسمی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ حسین ایزدی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ محمد صادق پورمدنی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ جمال الدین حیدری فطرت (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ احمد فرخی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ سجاد قدک (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ محمد مادرشاهی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ جواد محمدی سیاهبومی (استاد حوزه علمیه)



دبیر اجرایی: جواد محمدی سیاهبومی

ویراستار: علی یآوری

صفحه آرا: محسن مهمان نواز

طراح جلد: حسین جاهدی

نشانی: قم، بلوار محمد امین، مدرسه علمیه معصومیه ع.ا.ع، دفتر پژوهش، تلفن:

۰۲۵۳۲۹۰۰۳۲۶

در مسیر تمدن

سالنامه پژوهشی

سال دوم، شماره دوم (پاییز ۱۴۰۴)

بررسی فقهی تجسس والدین در امور فرزندان

سید رضا چوگان^۱

چکیده

تجسس در امور دیگران یکی از مسائلی است که در فقه اسلامی به شدت مورد نقد قرار گرفته و بر اساس اصول فقهی، ورود به حریم خصوصی افراد، امری ممنوع و ناپسند است. با این حال، در مواردی که مسئله حفظ سلامت معنوی و اخلاقی فرزندان مطرح باشد، این حکم کلی ممکن است دستخوش تغییراتی شود. در این مقاله، با استناد به آیات و روایات اسلامی، به بررسی فقهی تجسس والدین در امور فرزندان پرداخته می شود. از یک سو، آیه ۱۲ سوره حجرات «وَلَا تَجَسَّسُوا» بر حرمت تجسس تأکید دارد و از سوی دیگر، آیه ۶ سوره تحریم «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» والدین را به مراقبت از خانواده و فرزندان ملزم می کند. این مقاله با تحلیل این دو دسته از ادله، به این نتیجه می رسد که نظارت والدین بر فرزندان در راستای حفظ سلامت آنان و جلوگیری از انحراف، به ویژه در موارد ضروری، نه تنها از شمول حرمت تجسس خارج می شود، بلکه می تواند به یک وظیفه شرعی تبدیل گردد.

واژگان کلیدی: تجسس، حریم خصوصی، وظایف والدین، فقه اسلامی.

^۱ طلبه پایه نهم مدرسه معصومیه ع.ا.ع.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اصول در فقه اسلامی، حفظ حریم خصوصی افراد است. تجسس در امور، به‌طور کلی مورد نهی قرار گرفته است. بر اساس آیه «وَلَا تَجَسَّسُوا»^۱ در قرآن و بسیاری از روایات، ورود به حریم خصوصی افراد به‌منظور کشف اسرار آنان جایز نیست. با این حال، در دنیای امروز که پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی متعددی وجود دارد، برخی از مسائل فقهی و اخلاقی مانند نظارت والدین بر امور فرزندان، نیاز به بررسی مجدد دارند.

آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»^۲ والدین را به مراقبت و حفاظت از خانواده، به‌ویژه فرزندان، ملزم می‌کند. این امر اقتضاء می‌کند که والدین در مواردی خاص و در راستای حفظ سلامت اخلاقی و معنوی فرزندان خود وارد حریم خصوصی آنان شوند. این مقاله در تلاش است تا با تحلیل این دو دسته از ادله فقهی، به بررسی تعارض ظاهری میان حرمت تجسس و وظیفه نظارت والدین پرداخته و نشان دهد که در شرایط خاص، نظارت والدین به‌منظور حفظ سلامت فرزندان ممکن است مجاز و حتی واجب باشد.

در بخش اول به بررسی لغوی و اصطلاحی مفهوم تجسس می‌پردازیم. در بخش دوم به بیان اصل اولی یعنی حرمت تجسس پرداخته و با ادله قرآنی و روایی آن را اثبات می‌نماییم. در بخش سوم ادله مربوط به وجوب وقایت و حفاظت والدین نسبت به فرزندان بررسی می‌شود و در بخش چهارم تعارض میان این دو موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^۱ حجرات: ۱۲

^۲ تحریم: ۶

بخش اول: مفهوم تجسس

بررسی لغوی

واژه تجسس از ریشه جس و به معنای «لمس با دست»^۱ و جستجو کردن و تفحص کردن می باشد. همچنین تجسس به معنای «تفتیش و جستجو از باطن امور و بررسی زشتیهای دیگران» می باشد.^۲ این واژه در فارسی به معنای «خبر جستن» است.^۳ در برخی قرائات شاذ از ابن عباس، آیه «فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ» به صورت تجسسوا قرائت شده که به همان معنای جستجو و به دنبال کسب خبر می باشد.^۴ ابن کثیر در تفسیر خود ذیل این آیه شریفه، معنای تجسس را جستجو در خصوص چیزی می داند. همچنین تجسس و تحسس را در معنا به هم نزدیک می داند، با این تفاوت که تجسس غالباً در امور شر و تحسس غالباً در امور خیر است.^۵

بررسی اصطلاحی

در شریعت مقدس برای تجسس نه از حیث شرعی و نه متشرعی، مصطلح خاصی وجود ندارد و در شریعت حکم بر معنای لغوی آن وضع شده است و مورد امر و نهی شارع قرار گرفته است.^۶ اما یکی از معانی که در متون فقهی و روایی تجسس، در آن معنا به کار برده شده است، تجسس از عورات و زشتی ها و اسرار افراد است. گاهی نیز تجسس و مشتقات آن در متون فقهی و روایی به معنای خیانت به

^۱ تهذیب اللغة، الأزهري، محمد بن أحمد: ج، ۱۰، ص ۲۴۱

^۲ لسان العرب، ابن منظور: ج ۶، ص ۳۸

^۳ لغت نامه دهخدا ذیل واژه تجسس.

^۴ مجمع البيان فی تفسير القرآن (ط دار المعرفة)، الشيخ الطبرسي: ج ۹، ص ۲۰۵

^۵ تفسير ابن کثير، ابن کثير: ج ۴، ص ۲۲۸

^۶ مصطلحات الفقه، المشکيني، الشيخ علي: ج ۱، ص ۱۲۸

حکومت اسلامی به کار می رود و حکم تکلیفی آن بر اساس ادله احکام در فقه امامیه حرمت است.^۱

بخش دوم: اصل اولی، حرمت تجسس و ادله آن

یکی از اعمالی که به صورت صریح توسط قرآن و اهل بیت علیهم السلام مورد نهی قرار گرفته است، تجسس در امور دیگران است. حرمت تجسس و تفتیش در امر دیگران به ادله اربعه اثبات می شود که در ادامه بیان خواهد شد.

قرآن

مهم ترین و صریح ترین دلیل بر حرمت تجسس آیه ۱۲ سوره حجرات است. خداوند در این آیه شریفه می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»^۲

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها پرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت

^۱ اصل عدم تجسس و استثنائات آن در فقه و حقوق ایران (با نگاهی به روایات). محمد مهدی کریمی نیا. مجله د ستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی: سال چهارم، شماره ۳۵،

فروردین ۱۴۰۰

^۲ حجرات: ۱۲

دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!»

همانطور که ملاحظه می‌شود، آیه فوق شامل نهی صریح خداوند متعال در خصوص عمل تجسس در امور دیگران است. همچنین در بخش اول بیان شد که معنای اصطلاحی خاصی غیر از معنای لغوی برای تجسس وجود ندارد بنابراین می‌توان گفت معنای آیه نهی از تفتیش و سرک کشیدن به زندگی و امور دیگران است و از آنجایی که نهی «لاتجسسوا» به صورت مطلق بیان شده است، همه موارد را شامل می‌شود فلذا یک اصل و قاعده اولیه ایجاد می‌شود که عبارت از حرمت تجسس در امر افراد است.

لازم به ذکر است ذیل این آیه شریفه در تفاسیر مختلف، روایاتی از معصومین علیهم صلوات الله نقل شده است که به حرمت تجسس اشاره دارند و در ذیل دلیل روایات مطرح خواهند شد.

روایات

*روایت اول:

عن الرسول (صلی الله علیه وآله) - إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْكُذِبِ وَ كُونُوا إِخْوَانًا فِي اللَّهِ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ لَا تَتَفَرَّقُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَتَفَاحَشُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا وَلَا تَتَّبِعُوا وَلَا تَتَّبَغُوا وَلَا تَتَدَابَرُوا وَلَا تَتَحَاسَدُوا فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ الْيَابِسَ.^۱

^۱ بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر: ج ۷۲، ص ۲۵۲

پیامبر (صلی الله علیه و آله) - بپرهیزید از گمان که دروغتر دروغها است، و در راه خدا برادر باشید چنانچه خدا به شما فرموده، و از هم نفرت نکنید و همدیگر را واری نکنید، و به هم دشنام ندهید، و غیبت هم نکنید، به هم دشمن نشوید و به هم پشت نکنید و به هم حسد نورزید که حسد ایمان را می خورد چنانکه هیزم خشک را آتش می خورد.

*روایت دوم:

الصَّادِقِينَ (عليهما السلام) قَالَا: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاخِيَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِيَ عَلَيْهِ عَشْرَاتِهِ وَ زَلَّاتِهِ لِيَعْنَفَهُ بِهَا يَوْمًا مَا.^۱

امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام): هرگاه فردی با فرد دیگری دارای پیوند برادری دینی باشد، اما همواره در جستجوی اشتباهات و خطاهای او برآید تا روزی او را رسوا کند، در نزدیکترین حالت به کفر قرار دارد.

*روایت سوم:

الصَّادِق (عليه السلام): أَبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ يُوَاخِيَ الرَّجُلَ وَ هُوَ يَحْفَظُ زَلَّاتِهِ لِيَعِيرَهُ بِهَا يَوْمًا مَا.^۲

امام صادق (علیه السلام): هرگاه شخصی با دیگری دارای پیوند برادری باشد اما همواره در جستجوی اشتباهات او بر

^۱ الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب: جلد ۲، صفحه ۳۵۴.

^۲ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قمی، میرزا محمد: ج ۱۲، ص ۳۴۴.

آید تا روزی از آن‌ها علیه او استفاده کند و او را رسوا کند، چنین فردی از خداوند بیشترین فاصله را گرفته است.

*روایت چهارم:

الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله): لَا تَذْهَبُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي بَيْتِهِ.^۱

پیامبر (صلی الله علیه و آله): مسلمانان را نکوهش نکنید و در پی عیب‌جویی از آن‌ها نباشید. هرکس از برادران دینی‌اش عیب‌جویی کند، خداوند در پی یافتن عیب‌هایش بر خواهد آمد. هرکس خداوند با او چنین کند، حتی اگر در خانه‌اش باشد، او را رسوا خواهد کرد.

*روایت پنجم:

الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله): يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُسَلِّمْ بِقَلْبِهِ لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ.^۲

پیامبر (صلی الله علیه و آله) - ای کسانی که به زبان، اسلام آورده‌اید و با دلهایتان اسلام نیاورده‌اید! لغزشهای مسلمانان را پیگیری نکنید، چراکه هرکس لغزشهای مسلمانان را پیگیری کند خدا لغزشهایش را پیگیری کند و هرکس که خدا لغزشهایش را پیگیری کند رسوایش نماید.

^۱اثواب الأعمال، ابن بابویه، محمد بن علی: ج ۱، ص ۲۸۸

^۲الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب: ج ۲، ص ۳۵۵

*روایت ششم:

روایت ذیل آیه استیناس^۱: أَبِیْ یُؤَبَ الْأَنْصَارِیِّ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا مَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بِالْأَسْتِیْنَاسِ فَقَالَ إِذَا جَاءَ الرَّجُلُ إِلَى بَابِ الدَّارِ یَسْبُحُ وَیُهَلِّلُ حَتَّى یَعْلَمَ أَهْلُ الدَّارِ أَنَّهُ یُرِیدُ الدُّخُولَ فِیْهَا.^۲

ابوایوب انصاری گوید: از رسول خدا پیرامون این کلام خداوند: حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا پرسیدم: «مراد خداوند متعال از استیناس (انس گرفتن) چیست؟» پیامبر فرمود: «هنگامی که شخصی به در خانه‌ای می‌آید، سُبْحَانَ اللَّهِ و لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید تا اهل خانه بفهمند او قصد داخل شدن به خانه را دارد».

با توجه به روایات فوق، تجسس و عیب‌جویی در امور دیگران به شدت نکوهش شده و از جمله رفتارهایی دانسته شده که ایمان انسان را تضعیف کرده و او را از خداوند دور می‌سازد. پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) بر این نکته تأکید کرده‌اند که کسی که در پی لغزش‌ها، اشتباهات و عیوب دیگران باشد، نه تنها از برادری دینی فاصله می‌گیرد، بلکه خود در معرض رسوایی الهی قرار می‌گیرد. چنین رفتاری نشانه ضعف ایمان و حتی نزدیک به کفر دانسته شده و موجب نابودی ایمان همچون آتش زدن هیزم خشک معرفی شده است. در مقابل، اسلام مردم را به پوشاندن عیوب یکدیگر، حفظ حرمت مسلمانان و پرهیز از گمان بد، غیبت، و تجسس فرا می‌خواند.

^۱نور: ۲۷: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

^۲ مستدرک الوسائل، نوری، حسین بن محمدتقی: ج ۸، ص ۳۷۷.

اجماع

علاوه بر دلالت صریح آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام بر حرمت تجسس، فقهای بزرگ امامیه نیز بر این حکم اتفاق نظر داشته و ادعای اجماع کرده‌اند. از جمله، مرحوم فاضل کاظمی در تصریحی روشن، به اجماع فقها بر حرمت تجسس اشاره کرده و می‌فرماید:

«وقد ورد بالنهي عن التجسس الكتاب والسنة بل الإجماع أيضا».^۱

این بیان نشان می‌دهد که حرمت تجسس نه تنها مستند به قرآن و روایات است، بلکه اجماع فقها نیز این حکم را تأیید و تقویت می‌کند. همچنین صاحب جواهر در کتاب فقهی ارزشمند خود، با استناد به آیه شریفه، تجسس را امری حرام دانسته و از بدیهیات دین به شمار می‌آورد. ایشان می‌نویسد:

«مضافاً إلى حرمة التجسس، قال الله تعالى (وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضاً) ... والأخبار الدالة على التحريم وشدة الحرمة والعقوبات الشديدة متواترة، مضافاً إلى إجماع المسلمين بل بداهة الدين، فحينئذ إذا صدر من أحد ذلك وجب الحكم بتفسيقه»؛^۲

در این تعبیر، صاحب جواهر بر اجماع مسلمانان بر حرمت تجسس و اینکه این حرمت از واضحات و ضروریات دین اسلام است، تأکید دارد. همچنین مرحوم مقدس اردبیلی در کتاب زبدة البیان فی أحكام القرآن می‌فرماید:

^۱ مسالک الأفهام إلى آیات الأحكام، الفاضل کاظمی، محمدجواد: ج ۲، ص ۳۴۸.

^۲ جواهر الكلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن: ج ۱۳، ص ۲۹۸.

«و يدلّ عليه تحريم التجسس بالكتاب و السنّة و الإجماع.»^۱

بنابراین، بر پایه تصریحات این فقهای بزرگ، می‌توان گفت اجماع فقهای امامیه در کنار قرآن و سنت، دلالتی روشن بر حرمت تجسس دارد و جای هیچ تردیدی در آن باقی نمی‌گذارد.

عقل

استاد محسن فقیهی در درس خارج فقه خود اظهار می‌دارد:

«عقل هر انسانی حکم می‌کند که تجسس از مسائل شخصی و داخلی خانواده افراد، جایز نیست. در همه کشورهای دنیا، این‌گونه تجسس جایز نیست و انحصار در دین اسلام ندارد بلکه همه ادیان و تفکرات این حکم را قبول دارند.»^۲

بخش سوم: وجوب نظارت و وقایت والدین

در مقابل آیات و روایات ناهیه از تجسس در امور دیگران، ما ادله ای داریم که نشان از وجوب نظارت والدین بر رفتار فرزندان دارد. فلذا این ادله در تعارض هستند با ادله فوق‌الذکر که حرمت تجسس در امور دیگران اثبات شده است. در ادامه برخی از آیات و روایات بیان خواهد شد.

قرآن

^۱ زبده البیان فی أحكام القرآن، الأردبیلی، المحقق المقدّس: ج ۱، ص ۳۱۲

^۲ درس خارج فقه استاد محسن فقیهی: ۱۴۰۱/۳/۸.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»^۱.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند.

این آیه به صراحت دستور به حفظ و نگهداری خانواده در مقابل آتش جهنم را به مومنان می‌دهد. ذیل این آیه که به آیه وقایت معروف شده است، روایاتی بیان شده که امر به معروف و نهی از منکر نسبت به خانواده را وظیفه مومنان می‌داند.

روایات

*روایت اول:

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ لِي أَهْلَ بَيْتٍ وَهُمْ يَسْمَعُونَ مِنِّي أَفَادْعُوهُمْ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ.^۲

امام صادق (علیه السلام) - سلیمان بن خالد گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: من دارای خانواده‌ای هستم که حرف‌های مرا گوش می‌دهند؛ آیا آن‌ها را به این

^۱ تحریم: ۶

^۲ تفسیر البرهان، بحرانی، هاشم بن سلیمان: ج ۵، ص ۴۲۳.

امر فرا بخوانم؟ فرمود: آری، خداوند عزوجل در قرآن می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ.

*روایت دوم:

الصَّادِق (علیه السلام) - عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ قُلْتُ هَذِهِ نَفْسِي أَقِيهَا فَكَيْفَ أَقَى أَهْلِي قَالَ تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاهُمْ اللَّهُ عَنْهُ فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ وَقِيَّتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ فَكُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ.^۱

امام صادق (علیه السلام) - ابو بصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی سخن خداوند عزوجل: قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ، پرسیدم. و گفتم: «این نفس من است، می‌توانم آن را حفظ کنم، ولی چگونه اهل بیت خودم را حفظ کنم؟» فرمود: «آنان را به آنچه خداوند به آن امر کرده است، امر کنید و از آنچه خداوند از آن نهی کرده، نهی کنید؛ اگر تورا اطاعت کنند، آنان را حفظ کرده‌ای و اگر از تو سرپیچی کردند، آنچه بر عهده‌ی تو بود، به انجام رسانده‌ای».

*روایت سوم:

^۱ تفسیر اهل بیت علیهم السلام، برازش، علیرضا: ج ۱۶، ص ۳۹۲.

الصَّادِق (علیه السلام) - عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي وَ قَالَ أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي كُفِّتُ أَهْلِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ.^۱

امام صادق (علیه السلام) - عبدالأعلى از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: هنگامی که این آیه نازل شد: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا، مردی از مسلمین درحالی که گریه می کرد، نشست و گفت: «من از خودم عاجز هستم، حال آنکه خانواده من نیز به من سپرده شده است». رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: «امرکردن آن ها به آنچه به نفس خویش امر می کنی، و نهی کردن آن ها از آنچه نفس خویش را از آن نهی می کنی، برای تو کافی است».

روایت چهارم

الباقر (علیه السلام) - عَنْ جَابِرِ بْنِ زَيْدٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ دَخَلَ عَلَى أَبِي رَجُلٌ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ أَحَدْتُ أَهْلِي قَالَ نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ.^۲

^۱ تفسیر اهل بیت علیهم السلام، برازش، علیرضا: ج ۱۶، ص ۳۹۲.

^۲ مستدرک الوسائل، نوری، حسین بن محمدتقی: جلد ۱۲، صفحه ۲۰۰.

امام باقر (علیه السلام) - امام باقر (علیه السلام) فرمود:
مردی نزد پدرم آمد و گفت: «خدا تو را رحمت کند و درود
فرستد؛ من برای اهل و خانواده‌ام حدیث گفته و سخن
می‌گویم: گفتار خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) را به
ایشان می‌گویم؛ چگونه است؟ پدرم فرمود: «آری خوب
کاری است، زیرا خدا می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا
أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ (طه/۱۳۲).

روایات فوق به روشنی مسئولیت والدین در قبال هدایت و نظارت بر فرزندان
و اهل خانه را تبیین می‌کنند. بر اساس این احادیث، والدین موظف‌اند خانواده
خود را با آموزه‌های دینی و اخلاقی آشنا کنند، آنان را به نیکی‌ها فرمان دهند و از
بدی‌ها بازدارند. این وظیفه نه تنها یک مسئولیت اخلاقی و تربیتی است، بلکه
تکلیفی شرعی به شمار می‌آید که خداوند متعال بر دوش مؤمنان نهاده است.
آن گونه که در کلام امام صادق (علیه السلام) آمده، اگر والدین در انجام این وظیفه
بکوشند و خانواده را به مسیر درست فراخوانند، حتی در صورت عدم پذیرش از
سوی آنان، مسئولیت از دوش والدین برداشته می‌شود.

بدیهی است که تحقق واقعی این وظیفه، صرفاً با پند و اندرز زبانی ممکن
نیست، بلکه مستلزم نظارت، مراقبت مستمر و آگاهی دقیق از رفتار و وضعیت
فکری و اخلاقی فرزندان است. چه بسا در پاره‌ای از موارد، برای اطمینان از
سلامت مسیر تربیتی و جلوگیری از افتادن فرزندان در ورطه انحراف، والدین
ناگزیر از بررسی دقیق‌تر و حتی ورود به حیطه خصوصی‌تر زندگی فرزندان شوند.

بنای عقلا در ضرورت نظارت والدین بر فرزندان:

یکی از ادله محکمی که بر وجوب نظارت والدین بر امور فرزندان دلالت دارد، بنای عقلا است. بنای عقلا به معنای رویه عقلایی و پذیرفته شده میان خردمندان جوامع مختلف، فارغ از دین و مذهب خاص، است که در قوانین مدنی و حقوقی کشورها نیز انعکاس یافته است. این رویه جهانی نشان می دهد که نظارت والدین بر فرزندان نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه یک ضرورت اجتماعی و حقوقی است که در نظام های قانونی جهان به رسمیت شناخته شده است.

البته ذکر این نکته ضروری است که درباره ملاک حجیت بنای عقلا دو مبنا وجود دارد که اعتقاد به هر یک از آنها نتایج جداگانه ای را به دنبال دارد. آشتیانی در شرح رسائل استاد خود تصریح می کند؛ شیخ انصاری در مجلس درس، ملاک و وجه حجیت بنای عقلا را به طور مطلق، تقریر معصوم (ع)، می دانست. اما به باور آشتیانی بنای عقلا به حکم عقل بازمی گردد و ملاک و وجه اعتبار آن در تمام موارد، کشف از حکم عقل است؛ از این رو در حقیقت بنای عقلا طریقی برای رسیدن به حکم عقل است و بر اساس قانون ملازمه «کُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ، حَكَمَ بِهِ الشَّرْع» می توان امضای شارع را احراز کرد و مفاد بنای عقلا را حکم شرعی دانست. پذیرش این مبنا می تواند راهی برای اعتبار سیره های عقلایی نوپیدا که در زمان معصومان (ع)، سابقه نداشته باز کند؛ در حالی که بنابر مبنای دیگر، اعتبار هر بنای عقلایی مشروط به احراز وجود آن در زمان معصومان (ع)، است.^۱ لذا در مورد مطلب تحقیق حاضر مبنای اول اختیار می گردد و طبق آن بنای عقلا در خصوص نظارت والدین در امور فرزندان بررسی می شود.

در اکثر نظام های حقوقی جهان، مسئولیت والدین در قبال تربیت و نظارت بر فرزندان به صورت قانونی تعریف شده است. برای مثال کنوانسیون حقوق کودک

^۱ویکی امام خمینی (ره)، بنای عقلا.

https://fa.wiki.khomeini.ir/wiki/%D8%A8%D9%86%D8%A7%DB%8C_%D8%B9%D9%82%D9%84%D8%A7#cite_ref-23

سازمان ملل متحد (۱۹۸۹) بر حقوق کودک تأکید دارد، اما در ماده ۵ تصریح می‌کند که والدین یا سرپرستان قانونی، مسئولیت هدایت و راهنمایی کودک را در جهت اعمال حقوق او بر عهده دارند. این ماده نشان‌دهنده تعادل بین حقوق کودک و مسئولیت والدین است.^۱ همچنین در قانون مدنی فرانسه (ماده ۳۷۱-۱) مسئولیت والدین شامل حفاظت از امنیت، سلامت و اخلاقیات کودک ذکر شده است.^۲ و نیز قانون خانواده آلمان، حق تربیت و نظارت والدین را به‌عنوان یک تکلیف قانونی به رسمیت می‌شناسد.^۳ در سیستم کامن لا، اصل مسئولیت والدین به والدین اختیار تصمیم‌گیری در امور مهم زندگی کودک را می‌دهد. این قوانین نشان می‌دهد که نظارت والدین بر فرزندان، یک اصل پذیرفته‌شده در نظام‌های حقوقی مدرن است و حتی در مواردی مانند نظارت بر فعالیت‌های دیجیتال فرزندان (مطابق با قوانین حفاظت از داده‌های اروپا GDPR)، محدودیت‌هایی برای حفظ مصالح کودک وضع شده است.

بخش چهارم: خروج نظارت والدین از اصل اولی

اصل اولی حرمت تجسس در امور دیگران، که در بخش دوم به آن پرداخته شد، بر اساس شواهدی از قرآن و روایات به‌صراحت تأیید می‌شود. ادله متعددی، از جمله آیه «وَلَا تَجَسَّسُوا»^۴، دلالت بر حرمت تجسس دارد. این حکم، یک قاعده

^۱ <https://www.unicef.org/child-rights-convention>

^۲

https://www.legifrance.gouv.fr/codes/article_lc/LEGIARTI00004916441

^۳

^۳[https://www.gesetze-im-internet.de/bgb/_1626.html#:~:text=%C2%A7%201626%20Elterliche%20Sorge%2C%20Grunds%C3%A4tze,Verm%C3%B6gen%20des%20Kinds%20\(Verm%C3%B6genssorge\).](https://www.gesetze-im-internet.de/bgb/_1626.html#:~:text=%C2%A7%201626%20Elterliche%20Sorge%2C%20Grunds%C3%A4tze,Verm%C3%B6gen%20des%20Kinds%20(Verm%C3%B6genssorge).)

^۴ حجرات: ۱۲

کلی و اصولی در روابط اجتماعی مسلمانان است که بر اساس آن، هرگونه ورود به حریم خصوصی دیگران ممنوع است.

در عین حال، ادله دیگری نیز در قرآن و سنت وجود دارد که والدین را به مراقبت و نظارت بر امور فرزندان دعوت می‌کند. این ادله، از جمله آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»^۱، به وجوب وقایت و حفاظت والدین از خانواده و فرزندان اشاره دارد. لازمه چنین مراقبتی، در بسیاری از موارد، دخالت مستقیم در امور فرزندان و حتی بررسی برخی جنبه‌های خصوصی زندگی آنان است.

حال با دو دسته ادله مواجهیم:

۱. ادله حرمت تجسس: که شامل ممنوعیت کلی ورود به حریم دیگران است.
 ۲. ادله وقایت: که والدین را به نظارت و حفاظت بر امور فرزندان ملزم می‌کند.
- برخورد این دو دسته ادله ممکن است در ظاهر تعارض آمیز به نظر برسد، اما بر اساس اصول فقهی، تخصیص‌پذیری احکام کلی توسط احکام خاص، راه‌حلی برای این تعارض فراهم می‌آورد. به این معنا که، حکم کلی حرمت تجسس، در مواردی که نظارت والدین برای وقایت و حفاظت از فرزندان ضرورت پیدا می‌کند، تخصیص می‌خورد. بنابراین، چنین تجسسی نه تنها از شمول حرمت خارج می‌شود، بلکه با توجه به وظیفه والدین در نگهداری از فرزندان، می‌تواند به یک وظیفه شرعی تبدیل شود.

جهت تقویت استدلال فوق می‌توان موارد زیر را بیان نمود:

۱. جایگاه ویژه خانواده در اسلام: در نظام اسلامی، خانواده به عنوان نهاد بنیادین جامعه، اهمیت ویژه‌ای دارد و حفظ سلامت معنوی و اخلاقی آن بر عهده والدین است. نظارت والدین بر رفتار فرزندان،

^۱ تحریم: ۶

بخشی از این مسئولیت است و لازمه این نظارت، ورود به حریم خصوصی در چارچوب ضوابط شرعی است.

۲. اصل تقدم ضرورات بر محظورات: از دیدگاه اصولی، در مواردی که یک ضرورت شرعی (مانند وقایت فرزندان از انحراف) با یک محذور شرعی (مانند تجسس) برخورد کند، ضرورت شرعی اولویت پیدا می‌کند.

۳. حدود نظارت: این نظارت باید در چارچوب عقلانی و شرعی باقی بماند. هرگونه افراط در تجسس یا ورود بی‌مورد به حریم فرزندان می‌تواند نتایج معکوس داشته باشد و اصل وقایت را زیر سؤال ببرد. همچنین فقها در تخصیص احکام کلی توسط احکام خاص، معیارهایی را ارائه کرده‌اند. بر اساس این معیارها، می‌توان موارد زیر را نتیجه گرفت:

۱. تخصیص احکام در شرایط خاص: فقیهان تاکید دارند که تجسس به‌طور کلی حرام است، اما اگر به دلایل عقلایی یا شرعی خاصی همچون امر به معروف و نهی از منکر صورت گیرد، می‌تواند از این حرمت خارج شود. در این موارد، نیت حفظ مصالح عمومی یا فردی اهمیت دارد و معیار عقلایی بودن در فقه به‌عنوان ضابطه‌ای تعیین‌کننده معرفی شده است.^۱

۲. حفظ خانواده به‌عنوان اولویت شرعی: در فقه اسلامی، نظارت بر امور خانواده و فرزندان به‌منظور جلوگیری از انحراف یا آسیب، وظیفه‌ای شرعی تلقی می‌شود که ممکن است نظارت دقیق یا حتی نوعی از تجسس را الزامی کند. این دیدگاه بر اساس آیات و روایاتی که امر به

^۱ استفتائات، مکارم شیرازی، ناصر: ج ۳، ص ۱۴۷، سوال ۴۴۳.

مراقبت و وقایت خانواده را واجب کرده‌اند، استوار است (مانند آیه "قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا" در سوره تحریم).

۳. محدودیت‌ها و شرایط تجسس: فقیهان تأکید می‌کنند که حتی در موارد جواز تجسس، این اقدام باید با شرایطی چون ضرورت شرعی، محدودیت در اطلاعات مورد نیاز، و قصد خیرخواهانه انجام شود. هدف باید اصلاح و پیشگیری از گناه باشد، نه هتک حرمت یا ایجاد تنش بی‌مورد.^۱

بخش پنجم: نتیجه‌گیری

در این مقاله بررسی شد که چگونه تجسس در امور فرزندان از نظر فقهی با دو دسته ادله متعارض روبرو است. از یک‌سو، آیات و روایات اسلامی به وضوح حرمت تجسس را بیان می‌کنند، اما از سوی دیگر، دستوراتی برای نظارت و مراقبت والدین از فرزندان وجود دارد که می‌تواند اقتضاء کند در موارد خاص، تجسس به‌منظور حفظ سلامت معنوی و اخلاقی فرزندان ضروری باشد.

با توجه به این دو دسته از ادله، به نظر می‌رسد که تجسس به‌عنوان یک قاعده کلی حرام، در مواردی که به‌عنوان یک وظیفه شرعی و در راستای حفظ خانواده و فرزندان مطرح شود، می‌تواند مجاز و حتی واجب باشد. به‌ویژه در مواردی که والدین برای حفظ فرزندان از انحرافات اخلاقی یا اجتماعی، وارد حریم خصوصی آنان شوند، این اقدام نه تنها مجاز است، بلکه در برخی موارد می‌تواند به یک واجب شرعی تبدیل گردد.

^۱ کاوشی در حکم فقهی تجسس، خرازی، سیدمحسن، فصلنامه فقه اهل بیت: شماره ۲۶، ص ۵۷.

در نهایت، این پژوهش نشان داد که نظر فقهی در این گونه موارد به طور کلی تابع شرایط خاص و محدودیت‌های عقلایی و شرعی است. نظارت والدین باید در چارچوب اصول اسلامی و اخلاقی باقی بماند و هدف از آن حفظ مصلحت فرزندان و جلوگیری از انحرافات باشد.

منابع:

قرآن کریم

۱. تهذیب اللغة، الأزهری، محمد بن احمد، ج ۱-۱۵، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۲۰۰۱م
۲. تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل بن عمر، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، ج ۱-۸. بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۹۹۹م
۳. لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، ج ۱-۱۵. بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق
۴. لغت نامه دهخدا، دهخدا، علی اکبر، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش
۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن، با مقدمه محمود آیت الله زاده‌ی شیرازی. ج ۱-۱۰. تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش
۶. «اصل عدم تجسس و استثنائات آن در فقه و حقوق ایران.»، کریمی نیا، محمد مهدی، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۳۵، فروردین ۱۴۰۰، صص ۱-۲۰.
۷. استفتائات جدید، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱-۳، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۹ق
۸. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۱-۸، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق
۹. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، مجلسی، محمد باقر، ج ۱-۱۱۰. بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق

۱۰. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، مشهدی، محمد بن محمدرضا، تحقیق: حسین درگاهى. ج ۱-۱۴. تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى، ۱۳۶۸ش
۱۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، ج ۱-۱۸. قم، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق
۱۲. البرهان فى تفسیر القرآن، بحرانی، سید هاشم، البرهان فى تفسیر القرآن، ج ۱-۵. قم، مؤسسة البعثة، مركز الطباعة والنشر، ۱۴۱۶ق
۱۳. کاوشی در حکم فقهی تجسس، خرازی، سیدمحسن، فصلنامه فقه اهل بیت فارسی، شماره ۲۶، ۱۳۸۰

